هيلين كيلر عِندَما بَلَغَتْ مِنَ الْعُمرِ تِسعَةَ عَشَرَ شَهراً، أُصيبَتْ بِحُمّىٰ صَيَّرَتْها طِفلَةً
هلن کلر هنگامی که رسید از عمر به نوزده ماه، دچار تبی شدید که تبدیل کرد او را به کودکی
عَمياءَ صَمّاءَ بَكْماءَ؛ فَأَرْسَلَها والِداها إلىٰ مُؤَسَّسَةٍ اجْتِماعيَّةٍ لِلْمُعَوَّقينَ. اِسْتَطاعَتْ
نابینا و کر و لال ؛ پس فرستادند پدر و مادرش او را به موسسه‌ای اجتماعی برای معلولان . توانست
مُعَلِّمَةُ «هيلين» أَنْ تُعَلِّمَها حُروفَ الْهِجاءِ وَ التَّكَلُّمَ عَنْ طَريقِ اللَّمْسِ وَ الشَّمِّ؛ وَ لَمّا
معلم هلن که باد بدهد به او حروف الفبا را و سخن گفتن از طریق لمس و بو بیدن ؛ و هنگامی که
بَلَغَتِ الْعِشْرينَ مِن عُمرِها، أَصبَحَتْ مَعروفَةً فِي الْعالَمِ، وَ حَصَلَتْ عَلىٰ عَدَدٍ مِنَ
رسید به بیست سالگی از عمرش ، شد معروف در جهان ، و بدست آورد بر تعدادی از
الشَّهاداتِ الْجامِعيَّةِ. وَ أَخيراً اسْتَطاعَتْ أَنْ تُسافِرَ إِلَى الْبُلدانِ الْمُختَلِفَةِ. وَ أَلْقَتْ عِدَّةَ
مدارک دانشگاهی و تازگی توانست که مسافرت کند به کشورهای مختلف . و برگزار کرد تعدادی از
مُحاضَراتٍ وَ أَصْبَحَتْ أُعجوبَةَ عَصرِها. أَلَّفَتْ «هيلين» ثَمانيَةَ عَشَرَ كِتاباً تُرجِمَتْ إلىٰ
سخنرانی ها و شد اعجوبهٔ عصرش . تالیف کرد هلن هجده کتاب را که ترجمه شده است به
خَمسينَ لُغَةً.
پنجاه زبان .



مَهتاب نَبَويّ بِنْتٌ وُلِدَتْ بِدونِ يَدَيْنِ، وَ رَغْمَ هٰذا فَهِيَ تَكْتُبُ وَ تَرْسُمُ وَ تَسْبَحُ، وَ
مهتاب نبوی دختری است که متولد شد بدون دو دست و علی رغم این او می نویسد و نقاشی می کند و شنا می کند و
حَصَلَتْ عَلَى الْحِزامِ الْأَسْوَدِ فِي التَّكواندو وَ أَلَّفَتْ كِتاباً.
بدست آورد بر کمربند مشکی در تکواندو و تالیف کرد کتابی را .